

# زنان کمون پاریس

جمعه، ۱۲۷ اسفند، ۱۳۹۵

زهره ستوده

هزاران کتاب و مقاله در باره کمون پاریس نوشته شده، ولی معدودی از آنها درباره شرکت زنان در کمون پاریس سخن رانده اند. یا تاریخ نگاران به زنان کمتر توجه کرده اند و یا از آنان در تاریخ کمون کمتر سخن گفته اند.



کمون پاریس یک رویداد تاریخی است که ریشه در انقلابات و مبارزات اجتماعی - سیاسی گذشته فرانسه بویژه از زمان انقلاب کبیر فرانسه 1789 به بعد دارد. سقوط امپراتوری دوم، اعلام جمهوری سوم، قحطی، چندین ماه گرسنگی، شکست فرانسه در جنگ با دولت پروس و تسلیم در برابر بیسمارک صدراعظم آلمان علل بروز کمون پاریس بودند. هزاران کتاب و مقاله در باره کمون پاریس نوشته شده، ولی معدودی از آنها درباره شرکت زنان در کمون پاریس سخن رانده اند. یا تاریخ نگاران به زنان کمتر توجه کرده اند و یا از آنان در تاریخ کمون کمتر سخن گفته اند.

اولیویه لیساگاره Olivier Lissagaray از معدود کسانی است که در کتاب خود "تاریخ کمون پاریس" به شرکت زنان اشاره کرده است.

ادیت توماس Edith Thomas ، در کتاب ” آتش افروزان Les Pétroleuses ” بطور واقعی رد پای زنان را که در این مبارزه شرکت داشته اند ، دنبال می کند.

در باره زنان کمون، ژان مترون Jean Maitron تحقیقات بسیار وسیعی انجام داده که انجمن “دوستداران کمون پاریس” آن را منتشر کرده است.

کتاب خاطرات لوئیز میشل به نام ” کمون پاریس، تاریخ و خاطرات ” مشاهدات کسی است که در کمون حضور داشته و فعالیت زنان را نقل می کند

### شرایط زندگی زنان

در زمان امپراتوری دوم، تغییرات فراوانی در پاریس بوجود آمد. “ژرژ اوژن اوسمان Georges Eugene Haussmann آرشیستکت مشهور، خیابان های جدیدی در پاریس احداث کرد که به رانده شدن توده کارگران به سمت شمال و شرق پاریس انجامید. مثل خیابان های بل ویل Belle ville ، منیل مونتان Ménilmontant و.....

بسیاری از زنان ساکن پایتخت ، در بخش تولیدات صنعتی کار می کردند. سالنامه آماری 1871 نشان می دهد که از تعداد 114000 کارگر، 62000 نفر آنها کارگر زن بوده اند. زنان اولین قربانیان صنعتی شدن جامعه سرمایه داری هستند. این زنان می بایست با رقابت ماشین های تولید و همچنین رقابت با دستمزد ارزان که از طرف صومعه ها پیشنهاد می شد، دست و پنجه نرم کنند. از طرف دیگر مجبور به تحمل پیشداوری های زن ستیزانه کارگران مرد تحت تأثیر افکار پرودن نیز بودند، آزار و اذیت و خشونت هر روز ادامه داشت. از آنان استثمار شدیدی می شد. آنها در ازای 12 تا 14 ساعت کار روزانه دستمزدی کمتر از نصف دستمزد مردان می گرفتند. این فضای حاکم در آن دوران بود. این درآمد مختصر برای یک کارگرزن بعلت اینکه گاهی نگهداری فرزندان و پدر و مادر سالخورده را هم به عهده داشتند، کافی نبود. در این مواقع تن فروشی مشکل مالی را حل می کرد.

در سال 1868 ، نمایشگاه بزرگ بین المللی در پاریس افتتاح شد و 15 میلیون بازدید کننده از شهرستان ها و کشورهای دیگر به پاریس سرازیر شدند. در این “پاریس پایتخت اروپا” به گفته ویکتو هوگو، بسیاری از زنان در جستجوی کار و خواستار احقاق حقوقشان بودند ولی بسیاری از زنان بی بضاعت با تن فروشی امرار معاش می کردند.

بطور کلی در قرن نوزدهم زنان کارگر در شرایط اسفباری زندگی می کردند، هم استثماری شدند و هم بحساب آورده نمی شدند. زنان نه جایگاه اجتماعی داشتند و نه هیچ حقوقی ، هیچ آینده ای برای خود متصور نبودند حتی حقوقشان در خانه هم پایمال می شد. فقط وظایف گوناگون را بر دوش می کشیدند. آنها هیچ چیزی برای از دست دادن نداشتند، تنها چشم امید به هرگونه امکان تغییر، دوخته بودند. برای اولین بار در تاریخ، با شروع انقلاب کمون، موقعیت مناسبی به آنان عرضه شد و آنها مصمم ، بطور وسیع و آگاهانه در مبارزات شرکت کردند. نشانه هایی از فعالیت زنان پیشرو در دوران امپراطوری دوم فرانسه دیده می شد. لوئیز میشل در سال 1856 به

پاریس آمد و در محله هیجدهم "کمیته مراقبت زنان" La Comité des vigilances را تشکیل داد. در سال 1868 مجمع دفاع از حقوق زنان بوجود آمد و روزنامه L'Opinion Nationale اعلامیه بیست نفر از شهروندان زن را مبنی بر "اعلامیه حقوق بشریت" Droit de l'Humanité بجای "حقوق بشر" Droit de l'Homme" مصوبه ی انقلاب 1789 را برای تحقق بخشیدن به مسائل اجتماعی منتشر کرد. این نام گذاری مورد تأیید آندره لئو بود. مطالبات زنان برای برابری قانونی زنان در عرصه زندگی زناشویی و در حیطه کار بود. چون آنها معتقد بودند که زن، هم بخاطر زن بودنش مورد ستم واقع می شود و هم بعنوان کارگر زن.

آندره لئو، در تاریخ 10 ژوئیه 1869، بنیادی اجتماعی برای احقاق مطالبات حقوق مدنی زنان بوجود آورد. ناتالی لومل، سرپرستی رستوران La Marmite را در سال 1868 بعهده داشت که برای کارگران غذا باکیفیت سالم و ارزان قیمت تهیه می کرد. این رستوران همچنین محل تجمع و تبادل نظر و مطالعه روزنامه های "ضاله" نیز بود.

### انقلاب کمون و شرکت زنان

در روز 18 مارس 1871، اولین روز انقلاب کمون، زنان پاریسی تصمیم گرفتند در مقابل دولتی (منظور دولت فرانسه) که در برابر ارتش پروس عقب نشینی کرده، به مردم فشار می آورد، روزنامه ها را معلق می کرد و محافل روشنفکری را می بست، همراه با کمیته مراقبت زنان محله 18، در امور محله مداخله کرده و از ضبط عراده توپ ها توسط نیروی نظامی آدولف تییر Adolphe Thiers رئیس دولت ورسای جلوگیری بعمل آوردند.

"ادیت توما" می گوید: "اگر بگوییم که در این روز انقلابی فقط زنان حضور داشتند، اغراق آمیز است ولی زنان قویا" در آن شرکت کردند و مصمم بودند که شانه به شانه مردان در مقاومت پاریس بجنگند.

### تشکیل "اتحادیه زنان"، شرکت در باشگاهها و کارگاههای تعاونی

زنان بسرعت بسیج شدند، روز 3 آوریل 500 نفر زن از میدان کنکورده بطرف ورسای رفتند و 700 نفر از آنها به پل گرونل Pont de Grenelle ملحق شدند. فریاد هزاران زن و مرد پاریسی به گوش می رسد: "نه به عقب نشینی!"، "مرگ برخیانتکاران!"، "مرگ بر پروسی ها"، "زنده باد جمهوری"، "زنده باد سوسیال" و "زنده باد کمون".

نیاز مبرمی به سامان دادن جنبش زنان احساس می شد. آندره لئو و لوئیز میشل بدین منظور پاریس را در می نوردیدند. روز 11 آوریل الیزابت دمیتتری یف Elisabeth Dmitrieff و ناتالی لومل Natalie Le Mel به پاریس آمدند و فراخوانی به این مضمون دادند: "شهروندان زن، ساعت تصمیم گیری فرا رسیده، روزگار دنیای کهن بسر آمده، ما میخواهیم آزاد شویم". همان شب جلسه ای تشکیل شد و "اتحادیه زنان برای دفاع از پاریس و پرستاری از زخمی ها" را پایه گذاری کردند. این اتحادیه در شهرداری محله دهم پاریس مستقر شد.

در اساسنامه اتحادیه زنان از یازده عضو نام برده شده که هر روز در شهرداری، برای ثبت نام شهروندان زن که تمایل به شرکت در دفاع از پایتخت را دارند تجمع می کردند.

“اتحادیه زنان” به روشنی و برای اولین بار یادآوری می کند که هر نابرابری و تضاد جنسیتی، پایه های اصلی قدرت طبقات حاکمه را می سازند. زنان اصل برابری دستمزد بین زنان و مردان را برقرار کردند. این تساوی حقوق در مورد معلمان زن و بسیاری از کارگاههای خودگردان اعمال شد.

“اتحادیه زنان” اعلام می کند: “دشمنان ما، صاحبان امتیازات طبقه مرفه هستند که با عرق دسترنج ما زندگی می کنند و از فقر ما فربه شده اند. ما خواستار کار و حفظ تولیدات آن برای خود هستیم. نه استثمارگر می خواهیم و نه ارباب.

مجموع این نوشته ها نشان می دهد که “اتحادیه زنان” از اعضای کمون هم جلوتر بوده اند. “اتحادیه زنان” چهارچوب مبارزه را با سرنگونی سرمایه و هرگونه اثری از استثمار تعریف می کرد.

در اواخر آوریل 1871 عده ای از مسوولین “اتحادیه زنان” از جمله: الیزابت دمیتری یف، ناتالی لومل و آلین ژاکیه به کمیسیون “سازمان کار” تحت رهبری لئو فرانکل فراخوانده شدند. کاری که اهمیت اتحادیه زنان را نشان می داد. لئو فرانکل خطاب به زنان می گوید: “ما بویژه از شهروندان زن، که همکاری فداکارانه ی آنها در انقلاب اجتماعی، بسیار ارزشمند است می خواهیم که با مساله با اهمیتی همچون سازماندهی “کار” بیگانه نباشند و در سندیکاهای حرفه های مختلف زنان، متشکل شده و هیأت های نمایندگی خود را بفرستند.”

“سازمان کار” از تمام اصناف کارگری برای شرکت در جلسه ای در روز 15 مه بمنظور انتخاب نمایندگان زن در هر صنفی برای تشکیل اطاقهای سندیکائی، دعوت به عمل آورد. متعاقب آن، “اتحادیه زنان” فراخوانی برای تجمع در روز 21 مه داد ولی با ورود ارتش “ورسای” به پاریس هرگز عملی نشد.

## تجمع زنان و باشگاه ها

نیاز به شرکت و همراهی زنان در باشگاه ها احساس می شد و در “روزنامه رسمی دولتی Journal Officiel” از زنان برای گردهمایی که در روز 12 آوریل برای سازماندهی جنبش زنان در رابطه با دفاع از پاریس، چنانچه نیروی نظامی قصد تصرف شهر پاریس را داشته باشد، دعوت میشود. کمیته مرکزی محلی متشکل از نماینده های هر منطقه بنام “کمیسیون اجرائی” با هفت نفر عضو تشکیل شد. روزنامه La Sociale برنامه های انجمن ها را منتشر کرد.

زنان پاریسی در تمام محله ها تجمعاتی را سازماندهی می کردند و به نشر عقاید انقلابی می پرداختند. دیدگاه جنبش اعتراضی و انقلابی کمون پاریس تحت تأثیر انترناسیونال اول و دیدگاه های متنوع دیگر از جمله بلانکسیم بود. زنان عضو و یا غیر عضو در این جلسات شرکت می کردند. همچنین در باشگاه های مختلط (زن و مرد) هم

حضور داشتند و خواستار گشودن درهای باشگاه های متعلق به مردان به روی زنان شدند. مثل باشگاه سن نیکلا St. Nicolas که در کلیسای نتردام د شان Notre Dame des Champs برگزار می شد.

در باشگاه Délivrance la در کلیسای La Trinité ، تحت سازماندهی لادویچکا کاوکا Ladoijka Kawecka ، سردبیر قدیمی روزنامه شهروندان زن Le Journal Des Citoyennes با همکاری ناتالی لومل ، اعلام کردند: ” در کارگاه ها، ما را روی هم انباشته اند ، این کارگاه ها به شما تعلق دارد و ابزار تولید، مال شماست.”

در “باشگاه های پرولتری” از 4000 نفر شرکت کننده، سه هزار زن حضور داشتند. در بعضی محله ها که “انترناسیونال اول” جریان غالب بود با آنکه زنان هنوز حق رأی نداشتند ولی آنها را برای همکاری ، اداره و سرپرستی شهرداری ها شرکت می دادند.

روز 6 مه از جمعیت 500 نفره در باشگاه روشنفکران آزاد در کلیسای سن ژرمن لُکسیرُوا St. Germain L’Auxerrois ، را حدود صد نفر از زنان تشکیل می دادند. با پیشنهاد، روندیه Rondier یکی از شهروندان زن، آزادی بی قید و شرط زنان و حق طلاق به رأی گیری گذاشته شد.

## کارگاه های تعاونی

تمام انجمن های زنان از لئو فرانکل مسوول “کمیسیون کار، صنعت و مبادلات” تقاضای ایجاد کارداشتند. “اتحادیه زنان” پیامی برای کمیسیون به این شرح فرستاد: ” در شرایط فعلی که فقر بطرز وحشتناکی افزایش می یابد، این خطر وجود دارد موجب آن شود که زنان به حالت انفعال و کم و بیش ارتجاعی برگردند و این بازگشت برای انقلاب خطرناک است. “کمیسیون کار، صنعت و مبادلات” پیشنهاد “اتحادیه زنان” مبنی بر تضمین سپردن کارگاههای تولیدی به تولید کنندگان را تصویب کرد و لئو فرانکل ، از شهرداری توافق کمک مالی روزانه - به مبلغ 2 فرانک - برای کمک به زنانی که در کارگاه های منطقه کار می کردند، را گرفت.



همچنین کمیته هائی توسط زنان در محلات بعنوان کارگاههای تعاونی ایجاد شد که به تقاضاهای فوری کاریابی پاسخ می دادند.

روز 6 آوریل ، شروع خودگردانی کارگاه هائی است که از طرف مدیرانشان، رها شده بودند و کارگران طی فرمائی در این کارگاهها شروع به کار کردند. بعضی از کارگاهها از ماه مه شروع به کار مستقل کردند. زنان در کمیته های محلی به امور زیادی اشتغال داشتند، کار آنها سرشماری زنان بیکار و کارگاه های خالی و انتخاب متصدی برای کارگاه ها بود.

در گزارشی به تاریخ 13 مه، میزان دستمزد روزانه و توافق خرید و فروش در کارگاهها تعیین شده است. این نوع اقدامات انجام شده، نمایانگر نگرشی جدید با روشی پیشرفته و شروع سازماندهی سوسیالیستی در موسسات تولیدی است. از طرفی دیگر مبارزه با کار در خانه که زنان مزد بگیر شدیداً استثمار می شدند. و همچنین کارخانگی است.

“اتحادیه زنان” با تکیه بر خط فکری ”انترناسیونال اول” اعلام کرد: وظیفه بدون حقوق و حقوق بدون وظیفه وجود ندارد. این جمله ای است که اوژن پوتیه Eugene Pottier در سرود انترناسیونال از آن استفاده کرده است.

به یمن دموکراسی مستقیم، زنان، سازمان خود را تشکیل داده و مطالبات خود را به نمایندگان کمون ارائه می دادند. این نمایندگان از طرف مردم منصوب و هر زمان قابل انفسال بودند و این موضوع به سندیکاها، انجمن ها ، اتحادیه زنان و غیره امکان می داد که نتایج تقاضاهای خود را ببینند.

### رفرم در آموزش

برخی از زنان کمونار چون آندره لئو André Leo، آنا ژاکلر Anna Jaclard، نوئمی رکلو Noémie Reclus

وکلارا پریه Clara Perrier با کمیسیون جبهه "سازماندهی و مراقبت آموزش در مدارس دخترانه" همکاری کردند. آنها پایه های مدرسه لائیک را ده سال قبل از اقدامات جمهوری سوم فرانسه ریختند. جمهوری سوم بعداً زمانی طولانی برای تحقق بخشیدن به این خواسته، گذاشت (مدرسه لائیک در تاریخ 6 ژوئن 1889 توسط ژول فری Jules Ferry تأسیس شد). در مون مارتر Montmartre یکی دیگر از کمونارها بنام پل منک Paule Mink مدرسه ای دخترانه در یکی از سالن های کلیسای سن پی بر St. Pierre تشکیل داد در حالی که آموزگاری به نام مری منی یه Marie Manière مدرسه ای را تأسیس کرد که زیر نظر کشیشان نبود. روز 3 آوریل، روزنامه Le Vengeur تأسیس این مدرسه را از طرف معلمان و کارگران، برای تدریس و تبادل معلومات، بینشی از یک مدرسه مترقی عنوان کرد.

در 9 آوریل، علیرغم مخالفت های کشیشی بنام پدردوشن Le père Duchene مدارس دخترانه توسط کمون پایه گذاری شد. مری منی یه می گوید: "شهروندان زن، اگر می دانستید که چقدر انقلاب به وجود شما زنان وابسته است، از همان زمان چشمانتان را برای آموزش دختران باز نگه می داشتید و نمی گذاشتید که در جهل بمانند. کاری که تا بحال با شما کرده اند".

زنان کمون، اولین موسسه هنرستان صنعتی را برای آموزش دختران در محله ششم پاریس تأسیس کردند. برای کودکان، مری لاوردور Marie Laverdure و الی دوکودره Elie Ducoudray در نوشته ای با این جمله شروع می کنند: "آموزش از بدو تولد آغاز می گردد". در واقع این اقدام در کمون برای نگهداری کودکان خیلی جلوتر از مفهوم نگهداری کودکان در مدرسه (Garderies) امروزی بود.

## آغاز برخی از رفرم های اجتماعی

مشارکت در تمام عرصه های زندگی جمعی شهروندان کمون باعث پیشرفت خواسته های روزمره زنان کمون شد. کمون پاریس، تن فروشی را به عنوان شکلی از استثمار و تجاری کردن جسم انسان ها به وسیله انسانهای دیگر طرد کرد. بعلاوه، کمون، حق طلاق و آزادی زندگی مشترک را در دورانی که نظم اخلاقی حاکم از طرف کلیسا بیداد می کرد، به رسمیت شناخت.

کمون مقرر کرد که مستمری افراد گارد ملی که در جنگ کشته شده بودند به شریک زندگی آنان اعم از رسمی یا غیررسمی و همچنین به فرزندانشان اعم از قانونی یا طبیعی باید پرداخت شود.

زنان هنرمند با کمیته های شهروندان زن همکاری می کردند. در روز 11 مه کنسرتی در پارک تویی لری Tuileries به نفع زخمی شدگان گارد ملی برگزار شد. در سالن مارشال ها Les Maréchaux، خانم آگار Agar درام نویس تئاتر معروف "کمدی فرانسوی" La comédie Française با خواندن نمایشنامه "شیر زخمی" اثر ویکتور هوگو، تالار را مجذوب خود کرد. در کنسرت دیگری که گردان 93 کمون برنامه ریزی کرده بود، کمک های فراوانی برای یتیمان و زنان بیوه همان گردان جمع آوری شد.

## زنان و نشریات

زنان کمون نه امکانات مالی و نه فرصت برای نشر روزنامه ای بزرگ برای زنان را داشتند ولی مقالاتشان را به روزنامه های دیگر مثل La commune: و Le Rappel و همچنین La Sociale میدادند. آندره لئو اساسنامه “اتحادیه زنان” را در روزنامه La sociale نوشت و منتشر کرد. آندره لئو فراخوانی بدین مضمون در این روزنامه نوشت: “امیدوارم زنان همچنان که با قلب شان در مبارزات کمون هستند، به عرصه عمل نیز وارد شوند”. او در ستون های مخصوص نوشته هایش در روزنامه سوسیال از دولت کمون پاریس می خواهد که درهای ارتش را به روی زنان نیز بگشایند. بدین ترتیب زنان کمون عملیات و مداخلات خود را در دو عرصه مدنی و نظامی گسترش می دادند.

## زنان و باریکادها

زنان در مبارزه نظامی تا آخرین روز و آخرین دقایق شرکت می کنند. ناتالی لومل می گوید: “شهروندان زن، دستکش (به رسم شوالیه ها) در وسط افتاده، یا باید بجنگیم و یا بمیریم”. لیساگاره Olivier Lissagaray که خود در این مبارزات شرکت داشته، می گوید: 120 نفر از زنان در باریکاد میدان بلانش La place Blanche حضور داشتند. 50 نفر به همراه ناتالی لومل در میدان پیگال، آندره لئو روی باریکاد باتی نی یول Batignolles، لوئیز میشل و مارگریت دی بلان Margueritte Diblanc روی باریکاد شوسه کلی یانکور Cligncourt، الیزابت رتیف Élisabeth Retiff که در گردان 135 آشپزی می کرد در خیابان لیل Lille بود. آدل شی نی یون Adèle Chignon از زنان مبارز سال 1848 روی باریکاد پانته ن Panthéon و الیزابت دمیتریف Elizabéth Dmitrieff در باریکاد میدان باستیل Bastille بودند.

ولی تعداد مشارکت زنان از دید لوئیز میشل و بنوا ملون Benoit Malon به ده ها هزار مبارز در هفته خونین می رسد. در هر حال، این ارقام نشان دهنده شهادت زنانی است که صفحه ای قهرمانانه از تاریخ را نوشتند.

## سرکوب

سرکوب وحشتناک بود. تعداد بیشماری روی همان باریکادها تیرباران شدند. یکی از افراد نظامی ورسای بنام دو ویلیه Villiers De در باره یک باریکاد در محله دهم پاریس تعریف می کند: “تعداد بیشماری زن اسلحه بدست بلافاصله تیرباران شدند.”

بر اساس تحقیق یکی از نمایندگان مجلس، هزاران زن دستگیر و به “دادگاه شوراهاى جنگ” تحویل داده شدند. زنان را تحقیر کرده و روسپی خواندند. ووقتی پاریس در آتش می سوخت، آنها را آتش افروزان Pétroleuses نامیدند.



بسیست و نه زن به کار اجباری محکوم شدند. بیست نفر را در دژهای نظامی زندانی کردند و شانزده نفر مجبور به خروج از کشور شدند. در مجموع 13700 زن و مرد را زندانی کردند که مدت زندان برای بعضی از آنها 9 سال طول کشید.

لوئیز میشل و ناتالی لومل از زندانی هائی بودند که به Nouvelle- Calédonie تبعید شدند. وقتی از زنان کمونار یاد می کنیم بیدرنگ تنها یک نام و آن هم به درستی نام لوئیز میشل در ذهن می آید که چهره مشخص یک کمونار زن در کمون پاریس است ولی زنان دیگری نیز در کمون پاریس فعالیت می کردند، جدا از کسانی که نام بردیم مثل: ناتالی لومل ، الیزابت دمیتریف ، آندره لئو، الیزابت رتیف، پل منک، بایستی از اولالی پاپاووین Eulalie Papavoine ، ویکتورین بروشه Victorine Brocher ، آلین ژاکیه Aline Jacquier ، لئونتین سوتانس Léontine Suetens و عده دیگری ناشناس از هرسن و سالی و از هر موقعیت شغلی : زنان رختشو، خیاط، خیاط لباس زیردوز، ملبله دوز، صحاف کار، کارگر، معلم و روشنفکر نام برد.

لوئیز میشل و آندره لئو در تبعید و پس از بازگشت از تبعید، برای زنده نگهداشتن ایده های کمون پاریس همچنان فعالیت می کردند. لوئیز میشل می گوید: یک انقلاب باید به پیش برود و نگاهش به گذشته نباشد. با توجه به آنچه گفته شد، زنان کمون جایگاهی ویژه را در تاریخ یافتند و مرحله مهمی در راه رهائی زنان را رقم زدند.

بالاخره جمهوری سوم تثبیت شد ، زنانی دیگر با الهام از مبارزات زنان کمون پاریس، برای دست یابی به حقوق زنان تا به امروز این مبارزات را در اشکال دیگر ادامه می دهند.

مطالبات زنان همچنان مساله روز است، بعضی از این مطالبات تحقق یافته ولی مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان، آزارجنسی، تجاوز ، اسید پاشی ، تبعیض در دنیای کار و آموزش، برابری دستمزد زن و مرد هنوز ادامه دارد، لوئیز میشل می گفت : اگر برابری بین دو جنس برقرار شود، حماقت انسانها شکاف برمی دارد Si l'égalité entre les deux sexes était reconnue, ce serait une fameuse brèche dans la bêtise humaine .

## سخن پایانی

در نمایشگاهی از عکس های کمون پاریس که بر نرده های دیوار شهرداری پاریس نصب شده بود ، در آخرین تابلو، تعدادی عکس کمونارها به همراه این نوشته به چشم می خورد: لحظاتی وجود دارند که خلق، در یک چهره تبلور می یابد. بعضی از افراد شخصیت هائی از خود بروز می دهند که بیشتر از دیگران بخاطر سپرده می شوند تا جائی که تبدیل به نمادها و اسطوره ها می گردند. مثل لوئیز میشل و اوژن ورنلن، که در خاطره ها ماندگارند. اما نمی توان فراموش کرد که کمون را هزاران زن و مرد ساخته که بشمارای از آنها برای همیشه گمنام مانده اند. این تابلو به آن چهره های بی نام ولی ماندگار اختصاص یافته است.

با الهام از این تابلو و نوشته‌ی زیر آن، این مطلب را به تمام زنان و مردانی که در راه مبارزه برای آزادی و برقراری سوسیالیسم جان باخته‌اند و همچنین آنهایی که گمنامند و چهره‌ای معروف در جنبش مبارزاتی نیستند، تقدیم می‌کنم.